

رابطه عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی و سبک دلبستگی در افراد متاهل

فاطمه نصیری

کارشناسی ارشد روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، ایران.

Hastinasiri92@gmail.com

سیروس شریفی

دکتری روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، ایران.

Siros.sharifi9@gmail.com

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، رابطه عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی و سبک دلبستگی در افراد متاهل بود. این پژوهش از لحاظ هدف، بنیادی و از لحاظ روش، همبستگی محسوب شد. جامعه آماری شامل تمامی افراد متأهل مراجعه کننده به پارک ها و اماکن عمومی منطقه دو شهر قزوین در سال های ۱۴۰۳-۱۴۰۴ (به تعداد ۷۵۰۰ نفر) بود که حجم نمونه آماری با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه گیری در دسترس، ۳۰۰ نفر تعیین و انتخاب گردید. ابزارهای جمع آوری داده ها شامل شیوه های مقابله با تعارض رحیم (۱۹۸۳)، عملکرد خانواده بر اساس الگوی مک مستر FAD، و سبک های دلبستگی سیمپسون (SAI) (۱۹۹۰) بودند. برای تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون در نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ استفاده شد. نتایج نشان داد بین عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی در افراد متاهل رابطه وجود دارد. ($p < 0.05$). بین عملکرد خانواده با سبک دلبستگی در افراد متاهل رابطه وجود دارد. ($p < 0.05$). عملکرد خانواده بر اساس تعارضات زناشویی و سبک دلبستگی در افراد متاهل قابل پیش بینی است.

واژگان کلیدی: عملکرد خانواده، تعارضات زناشویی، سبک دلبستگی

مقدمه

در طول تاریخ خانواده نقش هستی بخش داشته و یکی از مهمترین محیط ها موثر بر سلامت روانی افراد به شمار رفته است. بنابراین شرایط لازم برای رشد و رسیدن به توازن روانی و اجتماعی را فراهم می آورد (وود^۱، ۲۰۱۷)، افراد در هنگام رویاروی با موقعیت های فشارزا و دشوار استرس را تجربه می کنند و این استرس موجب ناراحتی، تنش یا نوسیدی اعضای آن می شود. موقعیت فشارزا سامانه خانواده را مختل می کند مگر اینکه خانواده بتواند با وضعیت تازه خود را سازگار کند. (بالارد^۲، ۲۰۱۶). محیط خانه نخستین و بادوامترین عاملی است که در رشد شخصیت افراد تاثیر می گذارد و از پدر و مادر به عنوان اصلی ترین عامل شکل گیری شخصیت فرزندان یاد می شود. کارایی محیط خانه بیشتر به ویژگیهای نظام خانواده، شیوه های سیستمی و الگوهای تبدیلی بین اعضای آن مربوط است. (احمدی، ۱۳۹۷).

در میان عوامل تأثیرگذار بر سلامت روانی افراد متاهل، عملکرد خانواده نقش بسیار مهمی دارد. ریشه بسیاری از ناهنجاریهای روانی و رفتاری انسانها در خانواده است و در عین حال بسیاری از پیشرفتهای بشر نیز از خانواده نشات می گیرد (نظری، ۱۳۹۹). خانواده به عنوان واحد عاطفی اجتماعی، کانون رشد و تکامل، التیام، تغییر و تحول، آسیب و عوارضی است که هم بستر شکوفایی و هم فروپاشی روابط میان اعضایش است. از سویی دیگر خانواده شالوده ای اساسی در ساختار اجتماعی جوامع است که سلامت یا عدم سلامت آن قوام و اضمحلال جامعه را در پی دارد (گودنبرگ و گولدنبرگ^۳، ۲۰۱۸). عملکرد خانواده مجموعه ای است از وظایف، نقش ها و انتظاراتی که اعضای خانواده در مقابل یکدیگر دارند (نجاریان، ۱۳۹۴). خانواده ها از نظر سازمانی، سیستم عاطفی پیچیده ای دارند که ممکن است حداقل مرکب از سه نسل باشند. البته امروز به دلیل افزایش طول عمر، خانواده ها مرکب از چهار نسل هم وجود دارند. هر خانواده به صورت اجتناب ناپذیری تلاش می کند تا به خودش به عنوان یک گروه نظم دهد. این تلاش برای نظم دادن به خود می تواند به صورت سنتی یا نو گرایانه، سازگارانه یا ناسازگارانه و منظم یا نا منظم باشد (نظری، ۱۳۹۶). خانواده با هر هدفی تشکیل شده باشد، رضایت از زندگی در کیفیت و دوام و بقاء آن اثر غیرقابل انکاری دارد. عامل اصلی تشکیل و تداوم خانواده ارضای نیازهای اساسی است. بنابراین در صورت ارضای مطلوب نیازها، خانواده پابرجا بوده و در غیر این صورت دچار تزلزل خواهد شد. اصولاً انسانها در پرتو روابط اجتماعی خاصی که در آن رشد یافته اند، مجموعه ای از ملاکها و معیارهای ارزیابی را کسب می کنند که ممکن است آگاهانه و یا ناآگاهانه به وجود آمده باشد. از این دیدگاه، زن و شوهر در درون خانواده هر کدام با معیارها و ملاک های خاصی وارد روابط متقابل اجتماعی شده و نقش های خاصی را بر عهده می گیرند که در صورت یکسان بودن معیارها و انطباق شرایط موجود خانواده با معیارها و آرمانهای زن و شوهر، ارضای نیازها در حد مطلوبی صورت گرفته و خانواده از استحکام بیشتری برخوردار خواهد بود (مهدوی، ۱۳۹۵).

عامل دیگری که در این مطالعه در ارتباط با عملکرد خانواده بررسی می شود، تعارضات زناشویی است. امروزه زندگی انسانها در تمامی ابعاد دستخوش تغییرات سریع و شگرفی بوده است. بازتاب ماهیت پیچیده این تغییرات و تحولات در زندگی فردی و اجتماعی افراد کاملاً محسوس و ملموس است که زندگی زناشویی نیز از این قاعده مستثنی نیست. زن و مرد به دلایل متعدد از جمله شناخت ناکافی از یکدیگر، انتظارات و توقعات غیر واقعی از ازدواج و همسر، مشکلات اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی، لاجرم می بایست مسائل و مشکلات بسیاری را در ایجاد، حفظ و بقای زندگی زناشویی و روابط نزدیک و صمیمانه با یکدیگر تجربه کنند (نوابی نژاد، ۱۳۹۸). علاوه بر عاقبتی مثل طلاق که پیامد آشفتگی های زناشویی است، وجود تعارض های زناشویی نیز تاثیر ژرفی بر بهداشت روانی، جسمانی و اجتماعی زوج ها و اعضای خانواده دارد (محمدخانی، ۱۳۹۸). تعارض وقتی بروز می کند که فرد بین اهداف، نیازها، یا

¹ Woold

² Balard

³ - Gogdenberg H, Goldenberg

امیال شخصی خودش و اهداف، نیازها و امیال شخصی طرف مقابلش ناهمسازی و ناهمخوانی می بیند (وانگ^۴، ۲۰۱۶). تعارض عبارت است از عدم توافق و مخالفت دو فرد با یکدیگر، ناسازگاری و نظرات و اهداف و رفتاری که در جهت مخالفت با دیگری صورت می گیرد و همچنین ستیزه های بین افراد در اثر منافع ناهمسو و اختلاف اهداف و ادراکات مختلف به وجود می آید (کبیری، ۱۳۹۴) از لحاظ روانی، اکثر افراد وجود تعارض در روابط زناشویی را بی نهایت تنش زا تجربه می کنند (هالفورد^۵، ۲۰۱۱). تعارض زناشویی با پدیده خشونت نیز مرتبط است. خشونت فیزیکی در بین حدود ۳۰ درصد از زوجین در ایالات متحده اتفاق می افتد و منجر به صدمات جسمی در ۱۰ درصد از زوجین می شود (دابا، گراهام، بریتzman و میناتریا^۶، ۲۰۲۰).

یکی دیگر از متغیرهای مورد بررسی این مطالعه و عوامل موثر بر عملکرد خانواده، سبک دلبستگی است (منطقی، ۱۳۹۸). طبق نظریه ی دلبستگی، انسانها تمایل دارند با افراد خاص، پیوند عاطفی قوی برقرار کنند (مارلن و همکاران، ۲۰۱۵). در تعاریف دیگر، دلبستگی الگویی است که بر مبنای روابط اولیه ی فرد با والدین یا مراقبین خود شکل می گیرد و به مناسبات و روابط بین شخصی در آینده منجر می شود. این الگو می تواند ایمن، ناایمن، در این زمینه، برخی از پژوهشگران رابطه- دوسوگرا و اجتنابی باشد. در این زمینه، برخی از پژوهشگران رابطه ی بین اعتیاد به شبکه اجتماعی و سبک دلبستگی را به طور وسیع مورد نظر قرار داده اند. در پژوهشی نشان داده شده است که اعتیاد به شبکه اجتماعی با سبک دلبستگی ایمن، رابطه ی منفی و با سبک دلبستگی ناایمن، رابطه ی مثبت دارد (ساندرس و همکاران، ۲۰۲۰). در پژوهشی دیگر مشخص شد، نوجوانانی که بیشتر از دیگران از شبکه اجتماعی استفاده می کنند، ارتباط کمتری با مادر و دوستان خود برقرار می کنند و در ارتباط با والدین، سبک دلبستگی ناایمن دارند (یان و همکاران، ۲۰۱۵). همچنین در پژوهشی دیگر نشان داده شده است اعتیاد به شبکه اجتماعی با سبک دلبستگی ایمن، رابطه ی منفی و با سبک دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی، رابطه ی مثبت دارد و سبک دلبستگی دوسوگرا نسبت به دو سبک دیگر، بیشتر پیش بینی کننده ی اعتیاد به شبکه اجتماعی است (میکالینر و فلرین، ۲۰۲۱). نتایج مطالعه ی یوسفی، غلامی (۱۴۰۱) نشان داد که بین سبک های دلبستگی اضطرابی/دوسوگرا، و اجتنابی با اعتیاد به سایت های شبکه های اجتماعی آنلاین رابطه مثبت معنادار وجود دارد. اما رابطه سبک دلبستگی ایمن با اعتیاد به سایت های شبکه های اجتماعی آنلاین معنادار نیست.

بر مبنای مطالب یاد شده اگر این پژوهش، قادر به تبیین رابطه بین متغیرهای عملکرد خانواده، تعارضات زناشویی، سبک دلبستگی باشد، می توان با استفاده از نتایج بدست آمده از این پژوهش به بهبود عملکرد خانواده، تعارضات زناشویی و سبک دلبستگی در افراد متاهل پرداخت تا در پرتو آن به ارتقاء وضعیت روانی افراد متاهل جهت افزایش و داشتن دید مثبت نسبت به آن کمک کرد، و از آنجایی که براساس مطالعات افراد متاهل سطح مشابهی از رضایت را گزارش نکردند. لذا با توجه این مطلب جامعه این مطالعه افراد متاهل در نظر گرفته شد و به ویژه خلاء پژوهشی در این زمینه، اجرای این پژوهش را دارای اهمیت می سازد. از این رو با توجه به آنچه بیان شد مسئله اصلی در این پژوهش این است که: آیا بین عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی و سبک دلبستگی در افراد متاهل رابطه وجود دارد؟

روش تحقیق

این پژوهش، از لحاظ هدف، یک پژوهش بنیادی که در آن محقق بدون داشتن یک هدف کاربردی خاص، صرفاً برای توسعه دانش به مطالعه می پردازد و از لحاظ روش توصیفی و از نوع همبستگی می باشد.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه گیری

⁴ Vang

⁵ Halford

⁶ Duba, J. D., Graham, M., Britzman, M., & Minatrea

جامعه شامل عبارت است از تمامی افراد متاهل مراجعه کننده به پارکها و اماکن عمومی منطقه دو شهر قزوین در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۴ (۷۵۰۰ نفر). در این پژوهش برای انتخاب حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۱۵ نفر از روش نمونه گیری در دسترس استفاده گردید، پس از حذف پرسشنامه های ناقص و خط خورده تعداد ۳۰۰ پرسشنامه وارد تحلیل شد.

ابزارهای پژوهش

در این پژوهش از پرسشنامه شیوه های مقابله با تعارض رحیم^۷ (۱۹۸۳)، عملکرد خانواده بر اساس الگوی مک مستر *FAD*، و سبک های دلبستگی سیمپسون (*SAI*) (۱۹۹۰) استفاده شد.

پرسشنامه سبک های حل تعارض^۸

پرسشنامه شیوه های مقابله با تعارض رحیم در سال ۱۹۸۳ جهت اندازه گیری سبک های حل تعارض طراحی شد. این پرسشنامه در ایران توسط باباپور (۱۳۸۵) ترجمه شده و ماده های آن پنج سبک حل تعارض را می سنجد و شامل ۲۸ ماده می باشد. پنج سبک حل تعارض عبارتند از: سبک یکپارچگی، سبک مسلط، سبک ملزم شده، سبک اجتناب کننده و سبک مصالحه. این پرسشنامه توسط باباپور (۱۳۸۵) ترجمه شده و ماده های آن به صورت لیکرت و در یک طیف ۵ درجه ای قرار دارد. ۵ زیر مقیاس این آزمون عبارتند از: شیوه های حل تعارض اجتنابی، خدمتکارانه، سلطه گرانه، مصالحه گرانه و موفتلفانه. از نظر روایی این مقیاس مورد تایید است. در پژوهش های گذشته از روایی (بین ۰/۵۰ تا ۰/۹۵) و پایایی (از نوع بازآزمایی بین ۰/۶۰ تا ۰/۸۳) مناسبی برخوردار بوده است (باباپور، ۱۳۸۵). پرسشنامه فوق دارای پنج بعد بوده که سوالات مربوط به هر بعد در جدول زیر ارائه گردیده است:

سوالات مربوطه	بعد
۱-۷	سبک یکپارچگی
۸-۱۳	سبک اجتنابی
۱۴-۱۸	سبک مسلط
۱۹-۲۲	سبک مصالحه
۲۳-۲۸	سبک ملزم شده

برای بدست آوردن امتیاز مربوط به هر بعد، مجموع امتیازات سوالات مربوط به آن بعد را با هم جمع نمایید. نمره هر بعد، بیانگر امتیاز آن سبک از حل تعارض خواهد بود. هر بعد (سبک) که امتیاز بالاتری دریافت نماید، نشان دهنده آن است که فرد پاسخ دهنده از آن سبک برای حل تعارض با همسرش استفاده کرد. نمرات بالاتر بیانگر تمایل بیشتر و یا شدیدتر افراد به آن سبک می باشند. در پژوهش حقیقی و همکاران (۱۳۹۱) بین خرده مقیاس های پرسشنامه سبک های حل تعارض رحیم و پرسشنامه CRQ همبستگی مثبت و منفی ۰/۷۱، ۰/۷۰، ۰/۷۰، ۰/۷۲ و ۰/۷۵ مشاهده شد که بیانگر روایی همگرا و واگرای مطلوب این پرسشنامه می باشد.

همچنین پایایی پرسشنامه یا قابلیت اعتماد آن با استفاده از روش اندازه گیری آلفای کرونباخ محاسبه شد. معمولاً دامنه ضریب اعتماد آلفای کرونباخ از صفر (۰) به معنای عدم پایداری، تا مثبت یک (۱+) به معنای پایایی کامل قرار می گیرد و هر چه مقدار بدست آمده

^۷ (ROCI-II)

^۸ Conflict resolution styles

به عدد مثبت یک نزدیکتر باشد قابلیت اعتماد پرسشنامه بیشتر می شود. آلفای کرونباخ برای پرسشنامه سبک های حل تعارض رحیم (ROI-II) در جدول زیر ارائه شده است:

مقدار آلفای کرونباخ در پرسشنامه سبک های حل تعارض رحیم (ROI-II)

بعد	آلفای کرونباخ
سبک یکپارچگی	۰/۷۱
سبک مسلط	۰/۷۰
سبک ملزم شده	۰/۷۰
سبک اجتناب کننده	۰/۷۲
سبک مصالحه	۰/۷۵

پرسشنامه عملکرد خانواده

در این مطالعه از پرسشنامه عملکرد خانواده استفاده شد این پرسشنامه برای سنجیدن عملکرد خانواده بر اساس الگوی مک کری و کاستا (۱۹۹۸) تدوین شده است و شامل ۵۳ سوال می باشد. این الگو خصوصیات ساختاری و شغلی و تعاملی خانواده را معین می سازد. این پرسشنامه شش بعد از عملکرد خانواده را مشخص ۲۳ عاطفی، آمیزش عاطفی ۲۲ می کند. این ابعاد از این قرار است: حل مشکل، ارتباط، نقش ها، همراهی، آمیزش و کنترل رفتار، لذا «ابزار سنجش خانواده» متناسب با این شش بعد از شش خرده مقیاس برای سنجیدن آن ها به علاوه یک خرده مقیاس هفتم مربوط به عملکرد کلی خانواده تشکیل شده است. این ابزار در مجموع از ۶۰ سؤال تشکیل شده است. گویه های مربوط به هر خرده مقیاس عبارتند از: نقش ها: ۴۰، ۴۵، ۵۳، ۱۵، ۲۳، ۳۰، ۳۴، ۴، ۱۰. حل مشکل: ۲، ۱۲، ۲۴، ۳۸، ۵۰، ۶۰. ارتباط: ۳، ۱۴، ۱۸، ۲۹، ۴۳، ۵۲، ۵۹. همراهی عاطفی: ۵، ۹، ۱۹، ۲۸، ۳۵، ۳۹، ۴۹، ۵۷. آمیزش عاطفی: ۱۳، ۲۱، ۲۲، ۲۵، ۳۳، ۳۷، ۴۲، ۵۴. کنترل رفتار: ۷، ۱۷، ۲۷، ۳۲، ۴۴، ۴۷، ۴۸، ۵۵، ۵۸. عملکرد کلی: ۱، ۶، ۸، ۱۱، ۱۶، ۲۰، ۲۶، ۳۱، ۳۶، ۴۱، ۴۶، ۵۱، ۵۶. برای نمره گذاری FAD به هر سؤال ۱ تا ۴ نمره با استفاده از این کلید داده می شود: از پاسخ دهندگان خواسته می شود عقیده خود را درباره ی هر گویه بر روی یک مقیاس ۴ درجه ای لیکرتی، از کاملاً موافق (نمره ۱) تا کاملاً مخالف (نمره ۴) مشخص کنند. همچنین در این مقیاس گویه های ۱، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۹، ۴۱، به صورت معکوس نمره گذاری می شوند. (ثنایی، ۱۳۷۹). این آزمون پس از تهیه توسط اپشتاین، بالدوین و بیشتاب در سال ۱۹۸۳، بر روی یک نمونه ۵۰۳ نفری اجرا شد. دامنه ضریب آلفای زیرمجموعه های آن بین ۰/۷۲ تا ۰/۹۲ است که حاکی از همسانی درونی نسبتاً خوب است. پژوهشات انجام شده در ایران نیز تأییدکننده روایی و پایایی این آزمون است (ثنایی، ۱۳۷۹). قمری و خوشنام (۱۳۹۰) ضرایب آلفای خرده مقیاس های حل مشکل ۰/۶۱، ارتباط ۰/۳۸، نقش ۰/۷۲، همراهی عاطفی ۰/۶۴، آمیزش عاطفی ۰/۶۵، کنترل رفتار ۰/۶۱ و عملکرد کلی ۰/۸۱ و همچنین برای کل مقیاس ۰/۹۲ به دست آورده اند. در پژوهش حاضر ضرایب آلفای خرده مقیاس های حل مشکل ۰/۷۶، ارتباط ۰/۷۷، نقش ها ۰/۷۵، واکنش عاطفی ۰/۷، مشارکت عاطفی ۰/۷۳، کنترل رفتار ۰/۷ و عملکرد کلی ۰/۷۳ و همچنین برای کل مقیاس ۰/۹۱ به دست آمد. ابزار سنجش خانواده با ضریب آلفای خرده مقیاس های خود از ۰/۷۲ تا ۰/۹۲ برخوردار است (میرعنایت، ۱۳۸۰).

سبک های دلبستگی سیمپسون (AAI)

این پرسشنامه توسط سیمپسون (۱۹۹۰) ساخته شده است. این آزمون شامل ۱۳ جمله در مقیاس لیکرتی است که آزمودنی در پاسخ به هر سوال باید یکی از گزینه های طیف ۵ درجه ای (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) را انتخاب کند. از این ۱۳ جمله، ۵ جمله برای ارزیابی سبک دلبستگی ایمن، ۴ جمله برای ارزیابی سبک دلبستگی اجتنابی و ۴ جمله برای ارزیابی سبک دلبستگی دوسوگرایی اضطرابی می باشد. سیمپسون به منظور بررسی روایی این پرسشنامه از مقیاس عشق رابین (۱۹۷۰) به نقل از سیمپسون، (۱۹۹۰) و مقیاس وابستگی برشید و فی (۱۹۹۷) استفاده کرد. همبستگی بین مقیاس عشق رابین با سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرایی اضطرابی به ترتیب ۰/۲۲، ۰/۲۲- و ۰/۱۲- بود. همبستگی بین مقیاس وابستگی برشید و فی با سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرایی اضطرابی به ترتیب ۰/۲۶، ۰/۲۸ و ۰/۱۲- به دست آمد. عطاری، عباسی سرچشمه و مهرابی زاده (۱۳۸۵) برای بررسی روایی این آزمون از سه سوال محقق ساخته استفاده نمودند که همبستگی برای این سه سوال با سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرایی اضطرابی به ترتیب ۰/۵۹، ۰/۵۴ و ۰/۲۴- به دست آمد. پایایی این پرسشنامه برحسب آلفای کرونباخ و اجرای مجدد در فاصله های زمانی یک هفته تا دو سال حدوداً ۰/۷۰ برآورد شده است. سیمپسون (۱۹۹۲). عطاری و همکاران (۱۳۸۵)، آلفای کرونباخ و ضریب تنصیف این پرسشنامه را به ترتیب ۰/۷۰ و ۰/۶۲ به دست آوردند.

در این پژوهش داده های جمع آوری شده در قالب شاخص های آماری توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. بدین صورت که پس از استخراج داده ها ابتدا ویژگی های جمعیت شناختی اعضای نمونه تحلیل و در قالب جدول ارائه می شود و سپس داده ها در قالب روش های مختلف آماری شامل روش های آماری توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار) و روش های آمار استنباطی از روش ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره با استفاده از نرم افزار spss مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد.

یافته ها

فرضیه اول: بین عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی در افراد متاهل رابطه وجود دارد.

پاسخگویی به این فرضیه با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون صورت گرفت. نتایج این تحلیل در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. نتایج ضریب همبستگی ابعاد عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی

ردیف	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱	سبک یکپارچگی	۱					
۲	سبک اجتنابی	-۰.۴۷**	۱				
۳	سبک مسلط	-۰.۴۶**	-۰.۵۲**	۱			
۴	سبک مصالحه	-۰.۳۲**	-۰.۴۷**	-۰.۴۹**	۱		
۵	سبک ملزم شده	-۰.۵۱**	-۰.۳۵**	-۰.۴۱**	-۰.۴۶**	۱	
۶	نمره کل	-۰.۴۲**	-۰.۴۲**	-۰.۴۶**	-۰.۳۴**	-۰.۵۰**	۱

نتایج ضریب همبستگی پیرسون در خصوص ارتباط ابعاد عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی در جدول ۱ گزارش شده است. همانطور که نتایج جدول نشان می دهد رابطه ابعاد عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی منفی و در سطح ۰.۰۱ معنادار می باشد.

فرضیه دوم: بین عملکرد خانواده با سبک دلبستگی در افراد متاهل رابطه وجود دارد.

پاسخگویی به این فرضیه با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون صورت گرفت. نتایج این تحلیل در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج ضریب همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه بین عملکرد خانواده با سبک دلبستگی

ردیف	متغیر	۱	۲	۳	۴
۱	سبک های دلبستگی دوسوگرا	۱			
۲	سبک های دلبستگی ایمن	۰/۲۶*	۱		
۳	سبک های دلبستگی اجتنابی	۰/۳۶**	۰/۱۷	۱	
۴	نمره کل	۰/۵۱*	۰/۴۰***	۰/۴۵***	۱

نتایج ضریب همبستگی پیرسون در جدول فوق نشان می دهد بین عملکرد خانواده با سبک دلبستگی ایمن رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($p < 0/05$). و بین عملکرد خانواده با سبک دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی رابطه منفی و معناداری وجود دارد ($p < 0/05$). بنابراین فرضیه دوم پژوهش تأیید می شود.

فرضیه اصلی: عملکرد خانواده بر اساس تعارضات زناشویی و سبک دلبستگی در افراد متاهل قابل پیش بینی است. با توجه به اینکه نرمال بودن داده ها از پیش فرض های اصلی تحلیل است، قبل از ارایه نتایج این تحلیل ها، از آزمون آنوا^۹ برای بررسی معناداری کلی مدل رگرسیون چند متغیره استفاده شد که نتایج آنها در جداول ۳ مشاهده می شود.

جدول ۳. نتایج تجزیه و تحلیل مدل رگرسیونی چند متغیره (ANOVA)

مدل	منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	sig
۱	رگرسیون	۹۵۷۲.۶۴۲	۲	۴۷۸۶.۳۲۱	۲۹.۷۳۵	۰.۰۰۱
	خطا	۳۱۵۸۴.۲۷۴	۲۱۷	۱۴۵.۵۳۶		
	کل	۴۱۱۵۶.۹۱۶	۲۱۹			

بر اساس اطلاعات جدول ۳ آزمون آنوا فرض نرمال بودن مدل رگرسیونی را نشان می دهد، چرا که نسبت F مشاهده شده معنی دار نشده است. بنابراین فرض نرمال بودن برقرار بوده و استفاده از رگرسیون گام به گام بلامانع است. در راستای پاسخدهی به این فرضیه از رگرسیون گام به گام استفاده شد. بدین ترتیب تعارضات زناشویی و سبک دلبستگی به عنوان متغیر پیش بینی کننده عملکرد خانواده بر حسب تعارضات زناشویی و سبک دلبستگی شدند. نتایج این تحلیل ۴ و ۵ آمده است.

جدول ۴. خلاصه مدل رگرسیون عملکرد خانواده بر حسب تعارضات زناشویی و سبک دلبستگی

مدل متغیرهای پیش بین	R	R ²	Adjusted R ²	F	سطح معنی داری
۱ تعارضات زناشویی	۰/۳۵۰	۰/۱۲۳	۰/۱۱۰	۷/۸۴۲	۰/۰۰۱
۲ سبک دلبستگی	۰/۴۷۰	۰/۲۲۱	۰/۲۰۵	۹/۵۶۷	۰/۰۰۰

نتایج بدست آمده از جدول ۴ نشان می دهد شاخص های تحلیل واریانس معنی دار بودن رگرسیون و رابطه خطی بین متغیرها را نشان داده که سطح معناداری $p=0.000$ آن را تأیید می کند. آزمون نشان می دهد که مدل رگرسیون با متغیرهای پیش بین و متغیر ملاک از برازش خوبی برخوردارند و تغییرات تبیین شده توسط مدل واقعی بوده و ناشی از شانس و تصادف نیست و در بهترین پیش

^۹.ANOVA

بینی مقدار ضریب همبستگی چندگانه متغیرهای پیش بین با عملکرد خانواده برابر با ۰.۴۷۰ است که نشان دهنده رابطه خوب بین متغیرهای پیش بین و عملکرد خانواده است. مقدار ضریب تعیین برابر با ۰.۲۲۱ بوده و بیانگر این مطلب است که تنها ۲۲ درصد از تغییرات سبک زندگی به متغیرهای پیش بین مربوط است. همچنین نشان می دهد که متغیرهای پیش بین توانسته اند تغییرات عملکرد خانواده را پیش بینی کنند و با احتمال بیش از ۹۹ درصد این متغیرها در پیش بینی و تغییرات متغیر ملاک سهیم است. ضرایب رگرسیون در جدول ۵ ارائه شده است.

جدول ۵. ضرایب رگرسیون گام به گام عملکرد خانواده بر حسب تعارضات زناشویی و سبک دلبستگی

مدل	متغیرهای پیش بین	ضرایب غیر استاندارد	ضرایب استاندارد شده			
		B	خطای استاندارد	Beta	t	p
۱	تعارضات زناشویی	۰/۳۱۵	۰/۰۴۵	۰/۴۱۰	۷/۰۰۰	۰/۰۰۰۱
۲	سبک دلبستگی	۰/۳۸۰	۰/۰۴۰	۰/۲۷۰	۶/۲۰۰	۰/۰۰۲

مقایسه ضرایب رگرسیون نشان می دهد که تعارضات زناشویی، پیش بینی کننده ی قوی تری برای عملکرد خانواده است. بر این اساس فرضیه اصلی در پژوهش حاضر تأیید می شود. بدین معنی که عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی و سبک دلبستگی، رابطه چندگانه وجود داشته و این متغیرها می توانند عملکرد خانواده را پیش بینی کنند. ضرایب رگرسیون درج شده در جدول ۵ نشان می دهد که در بهترین مدل پیش بینی تعارضات زناشویی و سبک دلبستگی، قادر به پیش بینی ضریب عملکرد خانواده هستند. مقدار آزمون t و سطح معناداری آن تأیید کننده تأثیر متغیرهای، تعارضات زناشویی و سبک دلبستگی در پیش بینی عملکرد خانواده است.

بحث و نتیجه گیری

فرضیه اول: بین عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی در افراد متاهل رابطه وجود دارد.

نتایج نشان می دهد رابطه عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی منفی می باشد. فرضیه اول تأیید می شود. مطالعات متعددی این فرضیه را تأیید کرده اند. شهریار و عارفی (۱۳۹۵) نشان دادند که تعارضات زناشویی با دلزدگی زناشویی رابطه معنادار دارد و تعارضات زناشویی قادر است دلزدگی زناشویی را پیش بینی کند. همچنین کیم و پارک (۲۰۲۲) دریافتند خانواده هایی که عملکرد متعادل و همدلی بالایی دارند، تعارضات کمتری در روابط زناشویی و بین فردی تجربه می کنند. لی و همکاران (۲۰۲۱) نیز نشان دادند که خانواده هایی با عملکرد ضعیف در حوزه های ارتباطی و حل مسئله، بیشتر دچار تعارضات مزمن و نارضایتی اعضا می شوند. جونز و همکاران (۲۰۱۹) به این نتیجه رسیدند که خانواده هایی که سبک عملکرد تعاملی مثبت دارند، تعارضات کمتری را تجربه می کنند و مارتین و اسمیت (۲۰۱۸) نیز تأکید کردند که خانواده هایی که سبک دلبستگی ایمن دارند، کمتر تعارضات شدیدی را تجربه کرده و بهتر می توانند با چالش های زندگی کنار بیایند. این پژوهش ها همگی نشان دهنده وجود رابطه معنادار بین عملکرد خانواده و تعارضات زناشویی است.

در تبیین نتایج می توان گفت تعارضات زناشویی یکی از مهم ترین عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی و عملکرد خانواده است. عملکرد خانواده به معنای توانایی اعضا در برقراری ارتباط مؤثر، حل مسائل مشترک، ایجاد حمایت عاطفی و مشارکت در تصمیم گیری ها است که سلامت روان و رضایت اعضا را تحت تأثیر قرار می دهد. تعارضات زناشویی شامل اختلاف نظرها، سوء تفاهم ها، ناکامی در

برآورده کردن انتظارات و برخوردهای منفی است که می تواند منجر به کاهش رضایت زناشویی، ایجاد فاصله عاطفی، و در نهایت تضعیف عملکرد کلی خانواده شود. پژوهش های متعدد نشان داده اند که وجود تعارضات زیاد و مدیریت نامناسب آنها می تواند منجر به آسیب های روانی، کاهش سازگاری، و کاهش کارکردهای مثبت خانواده شود. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که رابطه معنی دار و قابل توجهی بین عملکرد خانواده و میزان و کیفیت تعارضات زناشویی وجود دارد.

فرضیه دوم: بین عملکرد خانواده با سبک دلبستگی در افراد متاهل رابطه وجود دارد.

نتایج نشان داد بین عملکرد خانواده با سبک دلبستگی ایمن رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و بین عملکرد خانواده با سبک دلبستگی دوسوگرا و اجتنابی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه دوم پژوهش تأیید می شود. مطالعات متعددی ارتباط معنی دار بین سبک دلبستگی و عملکرد خانواده را نشان داده اند. رضاقلیان (۱۴۰۲) در پژوهشی مروری بیان کرده است که سبک دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی و سبک دلبستگی ناایمن با تعارضات زناشویی رابطه دارد. در مطالعه رسولی و کهریزی (۱۳۹۹)، سبک دلبستگی ایمن، سازگاری زناشویی و تعهد مذهبی پیش بینی کننده عملکرد خانواده بودند و سبک های دلبستگی ناایمن با عملکرد خانواده رابطه منفی داشتند. کرمی بلداجی و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند که سبک های دلبستگی بزرگسالان رابطه معنادار و پیش بینی کننده سبک های حل تعارض زناشویی هستند. همچنین لاهیجی و بشارت (۱۳۹۶) بیان کردند که میان دلبستگی ایمن و عملکرد خانواده رابطه مثبت و میان دلبستگی اجتنابی رابطه منفی وجود دارد. اوزمن و آتیک (۲۰۲۰) نیز دریافتند که سبک دلبستگی اجتنابی پیش بینی کننده سازگاری زناشویی است و سبک های ایمن و دوسوگرا سازگاری بیشتری نشان می دهند. این مطالعات بر نقش مهم سبک دلبستگی در عملکرد خانواده تأکید می کنند.

در تبیین این نتایج می توان گفت که سبک دلبستگی به الگوهای ارتباطی و عاطفی افراد در روابط نزدیک اشاره دارد که از دوران کودکی شکل گرفته و تا بزرگسالی نیز تاثیرگذار است. این سبک ها (ایمن، اجتنابی، دوسوگرا و...) نقش کلیدی در نحوه ارتباط برقرار کردن فرد با همسر و سایر اعضای خانواده دارند. افراد با سبک دلبستگی ایمن معمولاً توانایی بهتری در برقراری ارتباط باز، ابراز نیازها و حل تعارضات دارند که این امر بهبود عملکرد کلی خانواده را به دنبال دارد. در مقابل، سبک های دلبستگی ناایمن مثل اجتنابی یا دوسوگرا، می توانند باعث ایجاد سوء تفاهم، کاهش حمایت عاطفی، و افزایش تعارضات شوند که همه اینها به تضعیف عملکرد خانواده منجر می شود. بنابراین، سبک دلبستگی به عنوان یک متغیر روانشناختی مهم، در تعیین کیفیت عملکرد خانواده نقش کلیدی ایفا می کند.

فرضیه اصلی: عملکرد خانواده براساس تعارضات زناشویی و سبک دلبستگی در افراد متاهل قابل پیش بینی است.

مقایسه ضرایب رگرسیون نشان می دهد که تعارضات زناشویی، پیش بینی کننده ی قوی تری برای عملکرد خانواده است. بر این اساس فرضیه اصلی در پژوهش حاضر تأیید می شود. بدین معنی که عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی و سبک دلبستگی، رابطه چندگانه وجود داشته و این متغیرها می توانند عملکرد خانواده را پیش بینی کنند. ضرایب رگرسیون نشان می دهد که در بهترین مدل پیش بینی تعارضات زناشویی و سبک دلبستگی، قادر به پیش بینی ضریب عملکرد خانواده هستند. سطح معناداری آن تأیید کننده تأثیر متغیرهای، تعارضات زناشویی و سبک دلبستگی در پیش بینی عملکرد خانواده است.

چندین پژوهش نشان داده اند که ترکیب تعارضات زناشویی و سبک دلبستگی می تواند عملکرد خانواده را پیش بینی کند. حسن زاده و سماواتی (۱۴۰۱) مدل رابطه بین سبک دلبستگی و تعارضات زناشویی را با واسطه دیدگاه فهمی زوجی و ترس از صمیمت بررسی کردند و دریافتند این مدل از برازش مطلوبی برخوردار است. در مطالعه رسولی و کهریزی (۱۳۹۹)، سبک دلبستگی ایمن، سازگاری زناشویی و تعهد مذهبی به عنوان پیش بین های عملکرد خانواده شناسایی شدند. کرمی بلداجی و همکاران (۱۳۹۹) نیز نشان دادند که سبک دلبستگی بزرگسالان پیش بینی کننده سبک های حل تعارض زناشویی است. همچنین کیم و پارک (۲۰۲۲) دریافتند خانواده های با عملکرد متعادل و همدلی بالا، تعارضات کمتری دارند و سبک دلبستگی ناایمن با افزایش تعارضات خانوادگی مرتبط

است. اوتو (۲۰۲۱) نیز نشان داد که سبک دلبستگی ایمن به طور مثبت و سبک دلبستگی ناایمن به طور منفی رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. این نتایج همگی حاکی از این است که تعارضات زناشویی و سبک دلبستگی نقش مهمی در پیش‌بینی عملکرد خانواده دارند.

در تبیین این فرضیه می‌توان گفت خانواده به عنوان نخستین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی، ساختاری مشخص و معین دارد که همواره تحت تأثیر تحولات و تغییرات اجتماعی قرار می‌گیرد (جعفری، ۱۳۹۶). این نهاد، مأمی است برای آرامش، حمایت و رشد استعدادهای افراد. در بستر خانواده، اعضا نه تنها تحت تأثیر یکدیگر قرار می‌گیرند، بلکه بر هم نیز اثرگذار هستند. بنابراین، کیفیت و عملکرد درونی خانواده نقش اساسی در شکوفایی و سلامت روانی افراد دارد. مطالعات خانواده‌درمانی بر این باورند که اختلالات روانی هرچند که ممکن است ریشه‌های متفاوتی داشته باشند، اما برای درک کامل آن‌ها باید به روابط و تعاملات فرد با خانواده و محیط پیرامونش توجه ویژه‌ای داشت (فرانکلین، ۲۰۱۵). این فرضیه بر اساس این دیدگاه است که عملکرد خانواده تحت تأثیر عوامل متعدد و به‌ویژه تعامل بین تعارضات زناشویی و سبک دلبستگی شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، تعارضات زناشویی و سبک دلبستگی هر دو نقش پیش‌بینی‌کننده عملکرد خانواده را دارند و ترکیب آن‌ها می‌تواند مدل قابل‌قبولی برای توضیح عملکرد خانواده ارائه دهد. تعارضات زناشویی، به عنوان عامل محیطی و رفتاری، و سبک دلبستگی، به عنوان عامل روانشناختی و هیجانی، به‌صورت ترکیبی تعیین‌کننده چگونگی تعامل، همدلی، حل مسئله و کیفیت روابط در خانواده هستند. به طور کلی، این فرضیه بر اهمیت نگاه جامع و چندمتغیری در بررسی عملکرد خانواده تأکید دارد و بیان می‌کند که نمی‌توان تنها با بررسی یکی از این عوامل، عملکرد خانواده را به درستی تبیین کرد. نتیجه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تعارضات زناشویی و سبک دلبستگی با همدیگر بر عملکرد خانواده اثرگذار بوده و مدل‌هایی که هر دو را در نظر می‌گیرند، توضیح و پیش‌بینی بهتری ارائه می‌دهند.

منابع

- پورفرج عمران، مجید و باقری، سیده نفیسه. (۱۳۹۴). رابطه عملکرد خانواده و سبک های فرزندپروری با اضطراب امتحان دانشجویان دانشگاه آزاد بهشهر، نخستین کنفرانس بین المللی جامع روانشناسی ایران
- جمشیدی، بهنام؛ زرمی، محمدرضا؛ حقیقت، شهربانو، سامانی، سیامک (۱۳۹۷). رابطه انسجام و انعطاف پذیری خانواده با ابعاد کمال گرایی. مجله روانپزشکی و روان شناسی بالینی، (اندیشه و رفتار)، شماره ۵۳.
- حسن زاده، مرضیه و سمواتی، مهدی، (۱۴۰۱). رابطه بین سبک های دلبستگی و تعارضات زناشویی با واسطه دیدگاه فهمی زوجی و ترس از صمیمیت، مجله روان شناسی رشد.
- خیراللهی، محمد و جعفری، اصغر و قمری، محمد و باباخانی، وحیده، (۱۴۰۰)، طراحی مدل پیش بینی عملکرد خانواده، سبک های مقابله با تعارض زناشویی و انعطاف پذیری شناختی، بر اساس تحلیل روند تغییرات دوره های تحولی خانواده در زوجین متقاضی طلاق
- لاهیجی لاله، بشارت محمد علی. (۱۳۹۶). پیش بینی کارکرد خانواده و کیفیت زندگی بر پایه شیوه های دل بستگی زوجین. آسیب شناسی خانواده. ۳ (۲): ۱۱۹-۱۳۸
- نظری، سمیه. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین عملکرد خانواده با ارزشهای اسلامی، اولین همایش ملی خانواده و امنیت. دانشگاه یزد.

- Besharat, M. A. (2022). **Psychotherapeutic Foundations of Attachment Theory**. journal of Rooyesh-e Ravanashenase, 1(1), 15- 38.
- Condon, J., Corkindale, C., Boyce, P., & Gamble, E. (2023). **A longitudinal study Of father-to-infant attachment: antecedents and correlates**. Journal of Reproductive and Infant Psychology, 31(1), 15-30.
- Damaris, A., Mahoney, A., & Pargament, K. I. (2020). **Sanctification of marriage and general religiousness as buffers of the effects of marital inequity**. Journal of Family, 31, 1255- 1278.